

حکایت نظر

۴ فلسفه حکم در عینیت زندگی مهاجم

۱۲ ساخت نظریه تفاسیری

۱۵ جست و جوی ما در تفسیر هدی

۱۹ رویکردهای تبیین سند الگو

۲۱ نظام مسائل اساسی اجتماعی جهان معاصر ایرانی

خبرنامه داخلی
مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
سال دهم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۱

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

یک آموزه بلند تمامیت قرآن کریم و از جمله سوره حدید آن است که همواره ساحت رفت و برگشتی نظر به عمل و بازخوانی عمل تا نظر و به تعبیری دیگر از سطح آموزه‌های پارادایمی تا الگو و شیوه اقدامی مدیریت واقعیت، مفروض این تعالیم است. از این رو، خروجی نهایی تمامی قرآن حکیم، علم منجر به عمل است که در برآیند نهایی خویش، از دانش تجریدی تا سطح کارکرداری رشد - توسعه و علم تجربه پذیر را در عرصه مدیریت واقعیت نتیجه می دهد که از حیث معرفت شناخت در هر دو سطح علم مبنا و علم محصول، به طور کامل ماهیتی میان رشته ای دارد. اقتدار توسعه ای دین و حضور جاودانه دین قرآنی، در گرو این ظرفیت بی مانند معرفت شناخت است. تاریخ دانش مسلمانان و از جمله تفکر تفسیری، افزون بر بی اعتنایی به سامان جامع ایراندیشه پیشرفت (تفقه در دین) و اصالت بخشی هرازچندی در دوره ای به یکی از عرصه های تفکر فلسفی - کلامی، فقهی و عرفانی، التفات چندانی به ظرفیت کارکرداری رشد نگر از سویی و تجربه پذیر از سوی دیگر در علم (به طور خاص در علوم انسانی) دینی نداشته است.

در این شماره گزارش های زیر، پیش روی مخاطب قرار می گیرد:

۱. در گروه پژوهش های نظری و مطالعات مبنا، دو گزارش «کارکرد پارادایم در فرایند اجتهاد تفسیری» و «سوالات پیش رو در قرارداد ملی پیشرفت» در دستور تأمل آمده است؛
۲. گروه مطالعات تفسیری در بخشی از تکاپوی دانشی خویش در پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص در این شماره، نه گزارش از جمله «کیفیت راهبری به زیست معیار با سوره نساء» و «فلسفه حکم در عینیت زندگی مهاجم» را مرور نموده است؛
۳. در گروه فقه و اصول در فراوری ساحت حقوقی و فقهی نظریه پیشنهادی پیشرفت یا فقه نظام پیشرفت، دو گزارش «ظرفیت زبان دین برای تبدیل به شیوه زندگی» و «عبور از نظریه میشل فوکو در سازه دانش و قدرت» مطرح شده است؛
۴. در گروه مدیریت راهبردی، در راستای سامان دهی الگوی عمل توسعه ای آینده نگار راهبردی دو گزارش «رویکردهای تبیین سند الگو» و «نظام مسائل اساسی اجتماعی معاصر جهان ایرانی» ارائه شده است؛
۵. گروه پژوهش هنر، گزارش پژوهش هرمنوتیکی مطالعات دلالی نظریه توسعه بوده و از سطح مباحث فلسفه هنر تا دستاوردهای تجربه هنری را شامل است. فصل برجسته ای از این مباحث، مطالعات میان رشته ای فلسفه و فقه شهر است. در همین راستا دو گزارش «فرانظریه دین شناخت معماری و شهرسازی و امتداد آن در نظریه معماری و شهرسازی» و «کرسی نظریه پردازی فقه معماری و شهرسازی با ارائه آقای اراکی» پیش رو آمده است.

پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت (مبنا)

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، دو گزارش «کارکرد پارادایم در فرایند اجتهاد تفسیری» و «سؤالات پیش رو در قرارداد ملی پیشرفت» در دستور تأمل آمده است.

کارکرد پارادایم
در فرایند اجتهاد
تفسیری

هویتی و معرفت‌شناخت معینی را برای علم دین ترسیم می‌کند و در راستای آن، فرایند ظهور و جریان علم تعیین می‌شود. با ظهور پارادایم قرآن‌بنیان، دو اتفاق تاریخی در عرصه ساختار علم دین، قابل‌رخنمودن بوده است:

۱. ظهور یک نظام اندیشگانی تازه با محوریت ایده «فقه دین» و یک جهان‌بینی و فلسفه تازه در تعبیر و تدبیر جهان، زندگی و علم؛
۲. ظرفیت فنروارگی پارادایمی فکر دینی برمدار تفکر اجتهادی زنده.

۴. پارادایم علم و اجتهاد تفسیری

اجتهاد تفسیری در مرز فارق با دیگر الگوهای دانشی، پارادایم خودویژه‌ای متفاوت از دیگر پارادایم‌ها دارد که برجسته‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده آن که به تفصیل تبیین خواهند شد مؤلفه‌های هستی‌شناختی، فلسفه دینی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، زیباشناختی و روش‌شناختی هستند. مؤلفه‌های مزبور جهت‌بخش نظام تحقیق تفسیری هستند. مهم‌ترین کارکرد پارادایم علم دینی و بدین‌سان پارادایم اندیشه و دانش تفسیری، در رابطه با تحقیق و پژوهش تفسیری است. سه کارکرد یادشده پیشین پارادایم در حوزه علم، در ارتباط با این کارکرد مهم پارادایم، یعنی پژوهش تفسیری هستند.

۵. رهسپاری به تئولوژی و ایدئولوژی یا مکتب و نظام

یک عرصه قابل‌تأمل جدی در کارکرد پارادایم، نوع تبیین‌گری پارادایم در رهسپاری به نظریه و دانش و توجیه‌گری انتولوژی برگزیده یا تئولوژی و در کارکرد سامان‌بخشی نظریه‌ای، سیستمی و هنجارین نظام ارزش‌ها به‌مثابه مستند اقدام یا ایدئولوژی است. تلقی‌های گوناگون از دامنه معنایی تئولوژی و ایدئولوژی در کیفیت نسبت با انتولوژی جاری است که در جای خود بدان پرداخته شده است. سوره حدید، فرصت یک آموختنی بلند و فشرده است. علم مکتب رشد با سوره آموخته می‌شود و می‌توان از نظام دین و نظام دین‌شناخت رشد - توسعه سخن گفت. این الگوی تحلیل را در نوع سوره‌ها و به‌طور خاص سوره‌های مدنی می‌توان جاری دانست و ما در این مجال به اشارتی از آن بسنده می‌کنیم. تئولوژی یعنی الهیات معرفتی

سامان‌یافته بر مدار انتولوژی برگزیده

و ایدئولوژی یعنی مکتب معیار بر

مدار یک ایده و عقیده معین.

پارادایم، شش کارکرد عمده در حوزه علم (به مفهوم جامع حقیقی و اعتباری) دارد که - می‌توان در هر منظومه آموزه‌ای سوره‌ای در نظام ترتیبی قرآن کریم پی‌گیر آن بود - عبارتند از:

۱. پارادایم علم به‌عنوان حلقه اتصال فلسفه و نظریه

زمانی که از هستی‌شناسی تا ارزش‌شناسی جاری در تمامی سوره را مدنظر آوریم که چگونه به نظریه و الگوی معیاررشد جهت می‌بخشند درمی‌یابیم که پارادایم علم به‌عنوان حلقه اتصال فلسفه و نظریه و به عبارتی دیگر ورود مباحث فلسفی یا عقیدتی (متأثر از جهان‌بینی یا مکتب) به سطح علم، نیازمند تدوین مدلی منطقی است که پیش‌فرض‌های فلسفی را در اختیار فرایند علمی قرار دهد. فرایند علم، متکی بر این پیش‌فرض‌ها و به‌منظور توضیح واقعیت، طراحی نظری (نظریه‌پردازی) و عملیاتی (مدل‌سازی) می‌شود. توضیح نظری واقعیت در قالب نظریه علمی و توضیح تجربی آن در قالب مدل‌سازی (مفهومی و تجربی) انجام می‌شود. مدلی که حاوی پیش‌فرض‌های علم است و هویت علم را تعیین می‌کند. حلقه اتصال فرایندهای منطقی انتزاعی (فلسفه) و فرایندهای روشمند (پارادایم) است.

۲. پارادایم و راهبری چارچوب‌های مفهومی علم

اصطلاحاتی چون «الله، انسان، زمین، آسمان، قدیر، علیم، مرجعیت امور، ایمان، انفاق، سبیل‌الله، منافقین، فسق، دنیا، سبقت در خیر، رسالت، بینات، کتاب، میزان، خودتوانمندی رشد، قسط، رسولان، تقوا و یدالله» نمونه‌نمایگانی هستند که چارچوب مفهومی الهیات رشد، علم و فقه دین را به دست داده‌اند و پارادایم یادشده نظریه خودتوانمندی رشد (يقوم الناس) را در معادله نسبت با خودبانی رشد (تقوا) در مرجع استنادی خود آشکار می‌کنند و تفصیل می‌بخشند.

۳. پارادایم و تحولات ساختاری علم

فقه خودتوانمندی رشد (فقه دین) یا فقه «لِيقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یا فقه تقوا در سوره حدید با محوریت آیه ۲۵، ساختار

انتولوژیک و با نگاهی سنتزی به آینده، مسئله مرکزی پژوهش قرارداد ملی پیشرفت در این ویرایش تازه در فرایند زیر به میان می‌آید:

با نظر به وهله گذار جامعه ایرانی به تجدید درون‌زای خویش، نظام مسائل راهبردی این جامعه و الگوی راهبردی تدبیر این جامعه در معادله ملت-دولت در عبور از بینش مرسوم حاکمیتی به این الگو در افق پذیرش خرد ملی کدام است؟

- از بازخوانی چیستی سند الگوی پایه پیشرفت به سطح میثاق ملی پیشرفت بر بنیان تدبیر حکمت‌بنیان مسئله پیشرفت و چرایی رویکرد به آن؛

- تا شناسایی نظام مسائل و تدابیر پیوسته آن، در نمونه کاربردی مقتضیات پایدار جهان ایرانی؛

- و تعیین نقطه‌های گذار از نمونه سند پیشنهادی الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی از سوی نهاد بالادستی پیشنهاددهنده سند (مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت).

در راستای مسئله مرکزی و فرایند یادشده این تحقیق و سامان تفصیلی و سازوکاری این سند توسعه‌ای، سؤالات فرعی این تحقیق در دو گام کلان مدنظر است:

۱. در گام اول، آشنایی آغازین با سند الگو پیش رو است. در این راستا، سه سؤال ابتدایی پاسخ می‌گیرد:

۱.۱. نظام برجسته مفاهیم و نمایگان راهبردی پیشرفت و توسعه کدامند؟

۲. فلسفه و چرایی سند الگو در این مرحله از گذار تمدنی جهان ایرانی چیست؟

۳. آخرین گام نظام حاکمیتی در عیار سند پیشنهادی الگو و نقدهای برجسته بر آن، گزارشگر چه نقطه‌های راهبردی برای گذار به میثاق ملی پیشرفت است؟

۲. و در گام دوم، اندیشه مرجع سند الگو یا پارادایم پایه آن مدنظر است. در این راستا، سه سؤال راهبردی پیش رو است:

۱. طراحی و پردازش هرگونه سند مرجع الگوی پیشرفت از وجه نظر روش‌شناخت، وام‌دار پردازش یک نظریه مرجع در مدیریت و راهبری پیشرفت است. ایده و ساختار این نظریه پشتیبان در الگوی راهبری تحول و پیشرفت، در سه منظر چیستی، چرایی و چگونگی چیست؟

۲. طراحی و پردازش نظریه، وام‌دار فرایندی است که از ساخت مبانی پارادایمی آغاز می‌شود و با سامان‌یابی ساخت مفاهیم و گزاره‌ها در ذیل نظریه مشخص جریان می‌یابد. اندیشه مرجع جای‌گیر در مبانی پارادایمی سند الگوی پایه پیشرفت چیست؟

۳. ساختار کلان و جزئی سند الگوی پایه پیشرفت در سامان‌بخشی میثاق ملی پیشرفت کدام است؟

تحقیق پیش رو، کوشش در پرداخت پاسخ به سوال‌های یادشده است.

“

اجتهاد تفسیری در مرز فارق بادیگر الگوهای دانشی، پارادایم خودویژه‌ای متفاوت از دیگر پارادایم‌ها دارد که برجسته‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده آن که به تفصیل تبیین خواهند شد مؤلفه‌های هستی‌شناختی، فلسفه دینی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، زیباشناختی و روش‌شناختی هستند. مؤلفه‌های مزبور جهت‌بخش نظام تحقیق تفسیری هستند. مهم‌ترین کارکرد پارادایم علم دینی و بدین‌سان پارادایم اندیشه و دانش تفسیری، در رابطه با تحقیق و پژوهش تفسیری است. سه کارکرد یادشده پیشین پارادایم در حوزه علم، در ارتباط با این کارکرد مهم پارادایم، یعنی پژوهش تفسیری هستند.

”

۶. سطوح علم

نمونه سوره حدید می‌آموزد که علم در ادبیات دین، منظومه در عرصه‌های سه‌گانه حقیقی، اعتباری و وجدانی است؛ بدین‌سان، اگر برای مثال از تربیت یا اقتصاد سخن می‌رود، مراد علوم تربیتی - اقتصادی است؛ یعنی فقط یک علم تجربه‌پذیر نیست و شامل سطوح چندگانه‌ای است؛ به اشاره آنکه:

۱. فلسفه تربیت - اقتصاد وجود دارد و جهان‌بینی تربیتی - اقتصادی هم ذیل این فلسفه تربیت - اقتصاد می‌گنجد. برای مثال وقتی گفته می‌شود فلسفه تربیت - اقتصاد، باید مبانی هستی‌شناختی و جهان‌بینی‌ای که بر علوم انسانی و از جمله اقتصاد حاکم است، مورد توجه باشد؛

۲. مجموعه اصول ارزشی (اخلاقی) و حقوقی تافتهی نظام حکم؛

۳. و در سرجمع دو لایه پیشین، ایدئولوژی یا مکتب یا مدرسه است که در مثل تعبیر شهید صدر در اقتصادنا به‌ضمیمه فلسفتنا، منظور نظر است.

سؤالات پیش رو در قرارداد ملی پیشرفت

در فرصت پیوست سه سنخ از ملت (امر جمعی) یعنی ملت به‌مثابه امر دینی، ملت به‌مثابه امر باستانی و ملت به‌مثابه امر مدرن در ایران و مفصل‌بندی نظم اجتماعی آینده ایران از چشم‌انداز فلسفه زیستی به‌مثابه پرسشی

پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی)

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

گروه مطالعات تفسیری، در بخشی از تکاپوی دانشی خود، پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی) را در دستور هم‌اندیشی، پژوهش و تألیف دارد و برای نمونه، در این شماره نه گزارش «کیفیت راهبری به زیست معیار با سوره نساء»، «فلسفه حکم در عینیت زندگی مهاجم»، «جریان مهاجم تاریخی کفر در تضعیف خط رسالت - مدنیت رشد»، «قرآن و ارزش‌های افزوده بر فلسفه فقه»، «سوره حدید به مثابه مدخلی بر سند الگوی پیشرفت»، «ساخت نظریه تفسیری»، «نظام تنزیل»، «جست‌وجوی ما در تفسیر هدی» و «جریان‌های تفسیری» مرور می‌شود.

زیست و مناسبات عادلانه در نمونه تک‌همسری پی‌گیریم. آموزگاری راهبردی سوره، کیفیت راهبری به این زیست معیار در ساحت‌های یادشده زیستمانی، فردی و اجتماعی است. این‌گونه برای مثال با سوره می‌آموزیم که مسئله راهبردی راهبری تغییر و تحول، مسئله جنس نیست؛ مسئله انسانی است که بنا بر آن است که دین برای او باشد؛ پس جنسیت (جنس با نظر به نقش اجتماعی) و نه جنس به میان می‌آید تا در خط تبدیل آدمیت، فراوری مستمر شود و در این راستا از جمله با ویرایش تازه‌ای از فلسفه فقه رویه‌رو هستیم؛ ویرایش تازه‌ای که با سوره نساء برای مثال ازدواج چهارهمسری را یک حکم ثانویه، متناسب با شرایط، معرفی می‌کند و نه یک حکم اولیه. حکم اولیه، تک‌همسری است و بدین‌سان در این معادله انسان و دین، ریشه حضور جنس و نگرش جنسی در معادلات مدنی خشکیده می‌شود. عینیت مدنی در ساحت تازه‌ای از انسان - دین، زیستمان - مدنیت، دانش - قدرت، فلسفه دین - فلسفه معرفت و فلسفه فقه حکم قرار می‌گیرد.

کیفیت راهبری
به زیست معیار
با سوره نساء

در نشست‌های تفسیر سوره نساء در دو ماه مهر و آبان، در راستای ساختار کلان سوره نساء، به مرور آیات ۱ تا ۹۱ پرداخته شد و در همین راستا بیان شد که جهان دیروز چونان عصر بعثت رسول اسلام ﷺ درآمیخته با سطحی از عقلانیت تا گفتمان درباره هستی، زندگی، انسان، جنسیت، مدنیت و معادلات قدرت است؛ همان‌گونه که جهان معاصر نیز با سامانی دیگر از عقلانیت تا گفتمان در این باره‌ها درآمیخته است. با مثل سوره نساء، آن نمونه جهان پیشین به تحلیل می‌آید و با لحاظ امکان مستمر ظهور جهان‌های دیگر، جنسی از «سامان دانایی» مستند به یک بنیان درون‌زای فلسفه دینی پیش رو می‌آید که روابط معرفت‌شناخت خاصی با یک روش‌شناسی معین درون‌زا، انگاره تازه‌ای از عقلانیت و قاعده‌مندی گفتمانی با میان‌داری سوژگی فراجنسیتی فاعل انسانی بنا می‌کند که این دانایی نوآفرین و نوپدید، معادله تازه‌ای از دانش - قدرت را در فاعلیت سه‌وجهی زیستمانی، فردی و مدنی می‌آفریند تا با عبور روشمند در متن تاریخت دم‌به‌دم معاصر انسان و جامعه هدف، کیفیت آفریدگاری زیستمانی - مدنی امر مستمر تمدنی را در دو میدان یادشده عقلانیت تا گفتمان پیش روی انسان دعوت‌شده به خودآگاهی دین برای انسان بیاورد. بدین‌سان واقعیت‌های معاصر هر دوره در نمونه عصر نزول تا اینک، در این بستر بازفراوری زیستمانی - مدنی تا رخداد تمدنی یادشده قرار می‌گیرد. با آیه ۱ آموخته‌ایم که از اوضاع هر دوره‌ای انسان و جامعه هدف، چونان وضعیت نهاد خانواده و بی‌انضباطی نهادداری خانواده عبور کنیم و خط بلوغ زیستمانی - مدنی را با نمونه کاربردی و توسعه‌ای آن دوره به‌مدد احکام ثانویه‌ای چون چهارهمسری، فرایند

فلسفه حکم در
عینیت زندگی
مهاجم

در ادامه نشست‌های تفسیری سوره انعام در مهر و آبان ۱۴۰۱، به تفسیر آیات ۱۱۸ تا ۱۴۴ پرداخته شد. در این نشست‌ها، فصل پنجم از آیات ۱۱۸ تا ۱۲۹ به اتمام رسید و سپس بخشی از فصل ششم، با آیات ۱۲۹ تا ۱۴۴ ذیل ساختار پیشنهادی مربوط به تفسیر هدی در این سوره بررسی و تبیین شد:

از فلسفه چگونگی به فلسفه حکم تا تجربه
انتخاب مسیر زندگی (با آیات ۱۱۸ تا
۱۲۹)

در برآیند مبناداری هستی و